



### شرایط اجتماعی زمانه میلاد امام زمان / شبهه‌ای در اصل تولد امام عصر

ما روایات معتبری از عصر امام عسکری (ع) در دست داریم که در آنها افرادی جلیل‌القدر به تولد امام دوازدهم گواهی داده و اظهار داشته‌اند که جانشین امام دوازدهم بر ما معلوم شده است.

ما روایات معتبری از عصر امام عسکری (ع) در دست داریم که در آنها افرادی جلیل‌القدر به تولد امام دوازدهم گواهی داده و اظهار داشته‌اند که جانشین امام دوازدهم بر ما معلوم شده است.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر برشی از کتاب «معرفت امام زمان» اثر ابراهیم شفیع‌ی سروستانی است که در ادامه می‌خوانید؛

#### شرایط اجتماعی عصر میلاد

دوران ۲۵۰ ساله امامت شیعی که با وفات پیامبر گرامی اسلام در سال ۱۱ ه. ق آغاز شد و با شروع غیبت صغرا و قطع رابطه مستقیم امام معصوم (ع) با جامعه اسلامی در سال ۲۶۰ ه. ق پایان پذیرفت، به دوره‌های مختلف با ویژگی‌های متفاوت قابل تقسیم است.

در این میان، دوران چهل ساله امامت امام هادی و امام عسکری ۸ که از سال ۲۲۰ ه. ق آغاز و تا سال ۲۶۰ ه. ق امتداد می‌یابد، به دلیل قرار گرفتن در آستانه دوران غیبت صغرا جایگاه خاصی دارد و از ویژگی‌های متفاوتی برخوردار است. یکی از ویژگی‌های این دوران، شدت مراقبت و محدودیت‌های فراوانی است که حاکمان جور نسبت به این دو امام بزرگوار اعمال می‌کردند.

حاکمان ستم پیشه اموی و عباسی همواره بیشترین سخت‌گیری‌ها را نسبت به امامان شیعه روا می‌داشتند و آنها را از هر جهت در تنگنا قرار می‌دادند. با این حال، در دوران امامت حضرت هادی و حضرت عسکری ۸، این سخت‌گیری‌ها شدت بیشتری گرفت و محدودیت‌های بیشتری برای این دو امام ارجمند در نظر گرفته شد. در سال ۲۴۳ ه. ق به دستور متوکل عباسی، حضرت هادی (ع) را به اجبار از مدینه به سامرا (عسکر) بردند که در آن زمان مرکز خلافت بود و تا زمان شهادت؛ یعنی سال ۲۵۴ ه. ق در این شهر زیر نظر قرار داشتند. [۱] حضرت امام حسن عسکری (ع) نیز بیش از نیمی از ایام عمر شریف خود را در سامرا گذراند و از سال ۲۴۳ ه. ق که در یازده سالگی به همراه پدرش به این شهر آمد، تا سال ۲۶۰ ه. ق که چشم از جهان فرو بست، امکان خروج از این شهر را نیافت.

علت این همه سخت‌گیری نسبت به این دو امام بزرگوار چه بود و چرا دشمنان اهل بیت (ع) تا این اندازه، این پدر و پسر را در تنگنا قرار داده بودند؟

حضرت امام حسن عسکری (ع) در تحلیل علل و انگیزه‌های برخورد شدید حاکمان ستم پیشه با ائمه اهل بیت (ع) می‌فرماید:

قَدْ وَصَعَ بَنُو أُمِّيَّةٍ وَ بَنُو عَبَّاسٍ سُبُوقَهُمْ عَلَيْنَا لِعِلَّتَيْنِ؛ إِحْدَاهُمَا أَنَّهُمْ كَانُوا يَعْلَمُونَ أَنَّهُ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْخِلَافَةِ حَقٌّ قِيَّافُونَ مِنْ أَدْعَائِنَا إِيَّاهَا وَ تَسْتَفِرُّ فِي مَرْكَزِهَا. وَ ثَانِيَهُمَا أَنَّهُمْ قَدْ وَقَعُوا مِنَ الْأَخْبَارِ الْمُتَوَاتِرَةِ عَلَى أَنَّ زَوَالَ مَلِكِ الْجَبَابِرَةِ وَ الظُّلْمَةِ عَلَى يَدِ الْقَائِمِ مِثْلًا وَ كَانُوا لَا يَشْكُونَ أَنَّهُمْ مِنَ الْجَبَابِرَةِ وَ الظُّلْمَةِ، قَسَعُوا فِي قَتْلِ أَهْلِ بَيْتِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) وَ إِبَادَةِ نَسْلِهِ، طَمَعًا مِنْهُمْ فِي الْوُصُولِ إِلَى مَنْعِ تَوَلُّدِ الْقَائِمِ أَوْ قَتْلِهِ. فَأَبَى اللَّهُ أَنْ يَكْشِفَ أَمْرَهُ لِوَاحِدٍ مِنْهُمْ، إِلَّا أَنْ يُتِمَّ ثَوْرَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ. [۲]

بنی امیه و بنی عباس به دو دلیل، شمشیرهایشان را بر ضد ما افراشتند؛ نخست این‌که آنها می‌دانستند هیچ حقی در خلافت ندارند. به همین دلیل، همواره در هراس بودند که مبادا ما در پی به دست آوردن خلافت و برگرداندن آن به جایگاه اصلی‌اش برآییم. دوم این‌که آنها بر اساس روایات متواتر، این موضوع را می‌دانستند که پادشاهی گردن‌کشان و ستم‌پیشگان به دست قائم ما از بین خواهد رفت و تردیدی هم نداشتند که آنها از جمله گردن‌کشان و ستم‌پیشگان هستند. از همین رو، برای کشتن خاندان رسول خدا (ص) و از بین بردن نسل او به تلاش وسیعی دست زدند، بدان امید که با این کارها بتوانند جلوی تولد قائم را بگیرند یا او را به قتل برسانند. خداوند از این‌که امر خود را بر یکی از آنها آشکار

سازد، پرهیز داشت و می خواست نور خودش را برخلاف میل کافران به حد تمام برساند.

با توجه به شرایط و موقعیتی که حضرت امام حسن عسکری (ع) در آن قرار داشت، روشن است که موضوع تعیین و انتخاب جانشین آن حضرت، یعنی آخرین امام از نسل پیامبر اکرم (ص) که بر اساس روایات تردیدناپذیر، بنیاد ستم و بیداد را برخواهد کند، از چه اهمیت و حساسیتی برخوردار بود.

اگر دشمنان اهل بیت (ع)، کوچک ترین رد پایی از فرزند امام حسن عسکری (ع) و جانشین ایشان به دست می آوردند، در پی نابودی آن حضرت برمی آمدند و اجازه نمی دادند سلسله امامت استمرار پیدا کند. بنابراین، چاره ای جز پنهان نگه داشتن موضوع تولد آخرین حجت حق نبود. این پنهان کاری به گونه ای بود که تا لحظه تولد ایشان، نزدیک ترین خویشاوندان حضرت عسکری (ع) نیز از این موضوع هیچ خبری نداشتند. [۳]

پنهان کاری شدیدی که در موضوع تولد حضرت مهدی (ع) اعمال می شد، برای حفظ جان آن حضرت لازم بود، ولی ممکن بود مایه سرگردانی و حیرت شیعیان پس از درگذشت امام حسن عسکری (ع) شود. به همین دلیل، امام یازدهم از همان لحظه تولد، به یاران خاص خود اطمینان داد که در موضوع جانشینی ایشان هیچ مشکلی پیش نخواهد آمد. با این تدبیر حضرت امام حسن عسکری (ع)، اگرچه تا مدت کوتاهی پس از وفات ایشان، شیعیان دچار حیرت شدند و میان آنها اختلاف به وجود آمد، ولی پس از آن، همه کسانی که در پیروی از اهل بیت (ع) اخلاص داشتند و در قلبشان مرض و نفاق وجود نداشت، آخرین حجت حق را شناختند و از طریق نواب خاص با ایشان ارتباط برقرار کردند.

با همه تفصیلی که گذشت، عده ای از مخالفان شیعه در پی این هستند که با طرح شبهه هایی در اصل تولد امام عصر (ع) چنین القا کنند که از نظرتاریخی نمی توان تولد آن حضرت را اثبات کرد. در حالی که اگر این به اصطلاح پژوهشگران تاریخی، بدون هرگونه غرض سیاسی و تنها به انگیزه دست یابی به حقیقت، به منابع و کتاب هایی که در سال های نزدیک به دوران غیبت صغرا نگاشته شده اند، مراجعه می کردند، درمی یافتند که در موضوع تولد امام دوازدهم هیچ جای تردیدی وجود ندارد. شیخ مفید (۴۱۳ ۳۳۶ ه. ق) در این باره می نویسد:

روایاتی که در اثبات [امامت] فرزند حسن [عسکری] (ع) وارد شده اند، به گونه ای هستند که با آنها راه هرگونه عذر و بهانه بسته می شود. [۴]

در اینجا برای روشن شدن اذهان، مروری دوباره خواهیم داشت بر مجموعه روایاتی که در زمینه اثبات امامت آن حضرت وارد شده اند. ابتدا به چند نمونه از روایاتی اشاره می شود که از سال ها پیش از تولد امام مهدی (ع) از پیامبر اکرم (ص) و امامان شیعه (ع) در زمینه امامت آن حضرت وارد شده است. سپس عبارت های تنی چند از کسانی را که بر تولد فرزند امام حسن عسکری (ع) شهادت داده اند، بررسی می کنیم. سرانجام، به معرفی برخی از کسانی می پردازیم که حضرت مهدی (ع) را در زمان تولد و پس از آن دیده اند.

پیش بینی تولد امام مهدی (ع)

چنان که می دانیم، از همان سال های آغازین ظهور اسلام، پیامبرگرمی اسلام، موضوع امامان دوازده گانه را مطرح کرد. پس از ایشان نیز هر یک از ائمه، نام و مشخصات امامان پس از خود را تا آخرین امام معرفی می کردند تا جای هیچ شبهه و تردیدی برای مردم باقی نماند.

در این مجال، فرصت بررسی تفصیلی همه روایت هایی که در این زمینه وارد شده نیست و تنها به برخی از آنها بسنده می کنیم:

۱. محمد بن یعقوب کلینی (م ۳۲۹ ه. ق) و شیخ مفید به اسناد خود از امام باقر (ع) چنین روایت می کنند:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) لِأَصْحَابِهِ: آمِنُوا بِلَيْلَةِ الْقَدْرِ، فَإِنَّهُ يُنَزَّلُ فِيهَا أَمْرُ السَّنَةِ وَ إِنَّ لِدَلِكَ وُلَاةً مِّن بَعْدِي عَلَى بَنِ أَبِيطَالِبٍ وَ أَحَدَ عَشَرَ مِّن وُلْدِهِ. [۵]

پیامبر خدا به یارانش فرمود: به شب قدر ایمان بیاورید؛ همانا در این شب، امور یک سال (همه آنچه در یک سال واقع می شود) نازل می شود و برای این موضوع، پس از من حاکمان [و پیشوایانی] وجود دارند که عبارتند از علی بن ابی طالب و یازده تن از نوادگان او.

۲. این دو عالم بزرگوار شیعی، روایت دیگری را به همین مضمون از امام باقر (ع) نقل کرده اند که در آن آمده است:

قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع) لِابْنِ عَبَّاسٍ، إِنَّ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فِي كُلِّ سَنَةٍ وَإِنَّهُ يُنَزَّلُ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ أَمْرٌ سَنَوِيٌّ وَإِلَيْكَ الْأَمْرُ وَلَاؤُهُ مِنْ بَعْدِ رَسُولِ اللَّهِ (ص). فَقَالَ لَهُ ابْنُ عَبَّاسٍ: مَنْ هُمْ؟ قَالَ: أَنَا وَ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ صُلْبِي أَيْمَةً مُحَدَّثُونَ. [۶]

امیرمؤمنان علی (ع) به ابن عباس فرمود: همانا شب قدر در هر سال وجود دارد؛ در آن شب امور یک سال نازل می شود و برای این موضوع پس از رسول خدا (ص)، حاکمان [و پیشوایانی] قرار داده شده اند. ابن عباس پرسید: آنها که هستند؟ فرمود: من و یازده تن از نسل من که همه امامانی هستند که فرشتگان با آنها سخن می گویند.

این دو روایت، بیان کننده این حقیقتند که «ملایک» و «روح» که به تعبیر سوره قدر به «اذن» پروردگار خویش در شب قدر نازل می شوند، «کلّ أمر» یا همه برنامه یک ساله جهان هستی را بر کسی که از سوی خداوند به ولایت برگزیده شده است، عرضه می دارند. به بیان دیگر، این برنامه در زمان رسول خدا (ص) بر آن حضرت و پس از ایشان بر امامانی که یکی پس از دیگری، سرپرستی امت اسلام را بر عهده می گیرند، عرضه می شود.

بنا براین، روایات یادشده علاوه بر بیان مسئله امامت و پیش بینی سلسله دوازده گانه جانشینان پیامبر اکرم (ص)، بیان کننده لزوم استمرار سلسله امامت و ضرورت وجود ولیّ حقیّ خدا در هر زمان نیز هستند؛ زیرا تا جهان باقی است، شب قدر تکرار می شود و بی تردید، در هر شب قدر باید امور یک ساله جهان بر ولیّ خدا عرضه شود.

۳. در روایت دیگری، امام محمدباقر (ع) از جابر بن عبدالله انصاری، صحابی بزرگوار پیامبر اکرم (ص) چنین نقل می کند:

دَخَلْتُ عَلَى فَاطِمَةَ (س) وَ بَيْنَ يَدَيْهَا لَوْحٌ فِيهَا أَسْمَاءُ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهَا، فَعَدَدْتُ اثْنَيْ عَشَرَ آخِرَهُمُ الْقَائِمُ (ع) ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ مُحَمَّدٌ وَ ثَلَاثَةٌ مِنْهُمْ عَلِيٌّ... [۷]

بر فاطمه (س) وارد شدم و دیدم که پیش روی او لوحی است که در آن نام های همه اوصیا از نسل او نوشته شده است. آنها را شمردم. دیدم که دوازده نفرند و آخرین آنها قائم (ع) است. سه تن از اوصیا نام «محمد» و سه تن از آنها نام «علی» داشتند.

همچنین ابوبصیر از امام باقر (ع) روایت می کند که: «يَكُونُ تِسْعَةَ أَتَمَّةٍ بَعْدَ الْخُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ تَاسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ؛ پس از حسین بن علی (ع)، نه امام خواهند آمد که نهمین آنها قائم ایشان است». [۸]

چنین روایاتی از دیگر امامان شیعه نیز نقل شده است. آنچه آمد، تنها بخش کوچکی از روایات فراوانی است که در آنها به نقل از پیامبر اکرم (ص) یا ائمه اهل بیت (ع) پیش بینی شده است پس از نبی اکرم (ص)، دوازده امام، سرپرستی امت اسلام را بر عهده می گیرند که آخرین این پیشوایان، مهدی امت و قائم آل محمد (ص) است. [۹]

بنابراین، جای هیچ تردیدی باقی نمی ماند که بر اساس پیش بینی پیامبر گرامی اسلام و ائمه معصومین (ع) باید یازده امام از نسل امیرمؤمنان علی (ع)، یکی پس از دیگری امامت مسلمانان را بر عهده گیرند. در اینجا این پرسش مطرح می شود که به چه دلیل می توان گفت این پیش بینی، تمام و کمال محقق شده و آخرین امام از سلسله امامان دوازده گانه نیز به دنیا آمده و به امامت رسیده است؛ زیرا بسیاری از مردم تولد و دوران رشد و بالندگی او را ندیده اند؟

در پاسخ این پرسش باید گفت ما روایات معتبری از عصر امام عسکری (ع) در دست داریم که در آنها افرادی جلیل القدر به تولد امام دوازدهم گواهی داده و اظهار داشته اند که جانشین امام دوازدهم بر ما معلوم شده است. افزون بر آن، شمار زیادی از بزرگان شیعه، آن حضرت را در زمان تولد و در اوان کودکی دیده و بر این موضوع گواهی داده اند. پس در تولد حضرت مهدی (ع) به عنوان دوازدهمین امام، هیچ شبهه ای نیست.

[۱]. ر. ک: الکافی، ج ۱، ص ۵۰۱، ح ۷؛ الإرشاد، ج ۲، صص ۳۰۹-۳۱۲. برخی از اهل تحقیق سال ۲۳۴ ه. ق را سال ورود حضرت هادی (ع) به سامرا ذکر کرده اند. ر. ک: سیدمحمد صدر، تاریخ الغيبة الصغرى، چاپ اول: بیروت، دارالتعارف، ۱۳۹۲ ه. ق، صص ۱۰۷ و ۱۰۸.

[۲]. محمدبن حسن حر عاملی، اثبات الهداة، تصحیح: سیدهاشم رسولی محلاتی، ترجمه: احمد جنتی، چاپ اول:

تهران، دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۵۷۰، ح ۶۸۵.

[۳]. ر. ک: الإرشاد، ج ۲، ص ۳۳۶.

[۴]. همان، ص ۳۴۳.

[۵]. همان، صص ۳۴۵ و ۳۴۶؛ الکافی، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۱۲.

[۶]. الکافی، ج ۱، ص ۵۳۲، ح ۱۱؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۳۴۶؛ کتاب الغیبة (نعمانی)، ص ۶۰، ح ۳؛ کتاب الغیبة (طوسی)، ص ۱۴۱، ح ۱۰۶.

[۷]. الکافی، ج ۱، ص ۵۳۲، ح ۱۱؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۱، باب ۲۴، ص ۲۶۹، ح ۱۳؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۳۴۶؛ کتاب الغیبة (طوسی)، ص ۱۳۹، ح ۱۰۳.

[۸]. الکافی، ج ۱، ص ۵۳۳، ح ۱۵؛ کمال الدین و تمام النعمة، ج ۲، باب ۳۳، ص ۳۵۰، ح ۴۵؛ الإرشاد، ج ۲، ص ۳۴۷؛ کتاب الغیبة (طوسی)، ص ۱۴۰، ح ۱۰۴؛ کتاب الغیبة (نعمانی)، ص ۹۴، ح ۲۵.

[۹]. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر. ک: الکافی، ج ۱، باب ماجاء فی الإثنی عشر و النص علیهم، صص ۵۲۵ ۵۲۵؛ إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، صص ۱۵۵ ۲۰۸.